

جدول

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰

نگاه

## گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید غلام حق شناس که پیکرش به تازگی شناسایی شده است

# نامه مادر ۳۶ سال همنشین پیکر فرزند بود



حضور مادر شهید غلام حق شناس

پنجم ابتدایی که خانم معلم آنها حجاب کامل نداشت سرش را بالای نمی‌گرفت و همان زمان به شیخ غلام معروف شد.

**چند ساله بود که عازم جبهه شد؟**

هفتم ماه سال ۶۰ که ۱۶ ساله بود عازم جبهه شدم و رزمنده گروهان حمزه از گردان امام محمدباقر (ع) لشکر ۱۴ امام حسین (ع) شد. مادرم هم راضی بود. برادرم قبیل از رفتن در نامه‌ها و وصیتنامه‌اش برای فامیل و بستگان نوشت که من می‌روم اگر کسی به مادرم بگوید تو دو تا پسر بیشتر نداری، چرا اجازه دادی فرزندت در جبهه بروی، من راضی نیستم و از او نمی‌گفتم. سال ۶۰ با سه نفر از دوستانش با هم رفتند که دو تا از آنها جانباز و یک نفر هم شهید شد. کسی که شهید شده به نام عباس حق شناس پسر عموی مادرم نام بود که در عملیات آزادسازی خرمشهر در روز دوم خرداد به شهادت رسید. اینها خیلی با هم دوست بودند. غلام روز آزادی خرمشهر همراه ما پیکر دوستش به خانه آمد و بعد از مراسم تشییع و مراسم هفتم شهید دوباره به جبهه بازگشت.

**شهید چند بار عازم جبهه شد؟**

دو بار. در اعزام دوم همراه با ۲۰ نفر از بچه‌های هر کلاس بود. روز اعزام این گروه را به یاد دارم که چون اعزام دسته جمعی بود، مراسم باشکوهی برگزار شد. مردم زیادی آنها را بدرقه کردند. غلام شش ماه در جبهه بود و در عملیات بیت‌المقدس و رمضان شرکت داشت. وقتی به مرخصی می‌آمد از عملیات برای ما می‌گفت. وقتی از عملیات بیت‌المقدس برگشت گفت واقعا هم‌انطور که امام خمینی (ره) فرمودند آزادسازی خرمشهر خدایی بود. این جمله او را هرگز فراموش نمی‌کنم که در گفت‌وگو این اسراییلی که گرفته‌ایم اگر جرئت داشتند و اهل مقاومت بودند و به بچه‌های ما حمله می‌کردند، ما هرگز موفق نمی‌شدیم.

**در کدام منطقه مقتولالان شد و شما چگونه باخبر شدید؟**

بعد از آزادسازی خرمشهر، غلام در عملیات رمضان شرکت کرد. مسئولیتش در این عملیات بیستمی بود که فرمانده‌اش هم همان آقای عبدالله حق شناس پسر عموی مادرم بود. در این عملیات از جمع ۲۰ نفری آنها که باهم اعزام شده بودند، ۱۶ نفر مقتولالان شدند و چهار نفر به اسارت درآمدند. غلام در محور نهر کتیبان عراق مقتولالان شد. معمولاً رزمندگان شرکت‌کننده در هر عملیاتی بعد از پایان عملیات، به مرخصی

می‌آمدند. عملیات رمضان تمام شد اما از غلام خبری نشد. ما که پیگیری کردیم می‌گفتند معلوم نیست اسیر یا شهید شده است. بعد از مدتی آن چهار نفر به خانواده‌های خود نامه نوشتند که ما اسیر شده‌ایم اما باز از غلام خبری نشد و این بی‌خبری تا ۱۰ سال بعد از پایان جنگ هم ادامه داشت که دیگری به قطعیت رسیدیم به شهادت رسیده‌است.

**قطعا سال‌ها چشم‌انتظاری برای مادر سخت بود. این سال‌ها برایشان چگونه گذشت؟**

مادرم از در خانه هر صدیایی که می‌آمد، می‌گفت برو شاید از برادرت خبری آورده باشند. تا زمانی که جنگ ادامه داشت یکجور بود. بعد از پایان جنگ که آزادگان به تدریج به کشور بازگشتند باز به گونه‌ای دیگر این چشم‌انتظاری وجود داشت. بعد هم کار تفحص پیکر شهیدها شروع شد و هر چند وقت یکبار پیکر تعدادی از شهیدان در کشور تشییع می‌شد باز به گونه‌ای دیگر، ما همواره منتظر خبر جدیدی از غلام بودیم. مادرم می‌گفت برو ببین برادرت در میان این پیکرها نیست. من می‌گفتم غلام در عملیات رمضان مقتولالان شد. پیکرهایی که آوردند مربوط به این عملیات نیست. خلاصه دائم پیگیر بود. من هم همیشه به مادر دلداری می‌دادم. مادرم جز من کسی را ندانست. همیشه می‌گفتم مثل مادر و هم‌نصرانی باش برای آنچه در راه خدا داده‌ای ناراحت نباش، اما به هر حال مادر بود و دلنگی می‌کرد. تا اینکه در اردیبهشت ماه اسلانی با ما تماس گرفتند که برای انجام آزمایش دی‌ان‌ای بیایید تا در صورتی که پیکرهای جدید شهیدان تفحص شدند، آزمایش شما را برای تطبیق



بیانات تاریخی امام خطاب به رزمندگان در ۲۱ آذرماه ۱۳۶۱  
مقابل فداکاری‌های شما شرم‌زده هستیم

بله، همیشه از سپاه یا بنیاد شهید با ما تماس می‌گرفتند. گاهی به خانه ما می‌آمدند. این یک روال عادی بود. آن روز هم که با من تماس گرفتند و گفتند سردار باقرزاده از تهران می‌خواهد به منزل شما بیاید فکر کردم مثل دفعات پیش مسئولان می‌خواهند برای سرکشی بیایند. اصلاً به ذهنم خطور نکرد که اینها می‌خواهند خیر کشف پیکر غلام را بدهند. اتفاقاً خیلی هم سفارش کردند که خانواده برای پذیرایی دچار زحمت نشوند که گفتم نه چه زحمتی، منزل شهیداست و مادر خدمت هستی، روز بعد سردار باقرزاده رأس ساعت مقرر همراه با مدیرکل بنیاد شهید اسفهان و رئیس بنیاد شهید گرگان و تعدادی از اعضای سپاه آمدند. سردار چادر مادر را بوسید و از ایشان پرسید نامه‌های شما به شهید را که در جبهه بود خودت می‌نوشتی یا کسی برای شما می‌نوشت که مادر گفت من سواد نداشتم، از برادرم می‌خواستم که حرف‌های مرا برای غلام بنویسد و بفرستد. بعد سردار دو نامه را باز کرد و شروع به خواندن نامه‌ها کرد. چند خطی از نامه را که خواند، متوجه شدیم همان نامه‌ای است که ما برای غلام نوشته بودیم. تعجب کردیم. وسط خواندن نامه بود که گفتم سردار این نامه را ما برای غلام نوشتیم، دست شما چه می‌کنند؟! گفت بله نامه شماست. پیکر ایشان در روز ۱۸ مهرماه اسما در منطقه نهر کتیبان عراق تفحص شد و این نامه هم همراه پیکر ایشان بود که همچنان سالم مانده است. ما از روی این نامه پیکرشان را شناسایی کردیم. نامه همانطور سالم مانده بود. کارت شناسایی‌ها مثل کارت بسیج، کارت تردد در منطقه جنگی و کارت خون همه سالم مانده بودند. سردار باقرزاده کپی آنها را آورد و بعد به ما نشان داد. دو تا نامه آخر که برایش نوشته بودیم که هر جیبش سالم بود. خودش هم یک نامه همراه با وصیتنامه برای ما نوشته بود و در آن نامه اشاره کرده بود این آخرین نامه‌ای است که برای شما می‌نویسم. او می‌دانست که شهید می‌شود. سر زندگی‌ها هم پر بازویش بسته شده بود که همچنان سالم مانده بود.

در بخشی از این پیام تاریخی، امام جهاد رزمندگان در جبهه‌ها را باعث مباهات و افتخار پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌کنند. این نکته‌ای است که شاید در هیچ کدام از بیانات ایشان نظیرش پیدا نشود. امام می‌فرمایند: «شما با کارهای خودتان سبب مباهات و افتخار پیامبر اکرم (ص) شده‌اید. شما امام زمان (عج) را رو سفید کرده‌اید. شما در پیشگاه خداوند متعال، مقامی دارید که ما باید به شما غبطه بخوریم.»

شاید برخی سخنان امام را غلوآمیز بدانند، اما بیاناتی را خطاب به ایشان ایراد می‌کنند. بیاناتی که در نوع خود کم نظیر است. آذرماه ۱۳۶۱ زمانی است که عملیات خونینی چون طریق‌القدس، فتح‌المبین و الی‌بیت‌المقدس و سپس رمضان یکی پس از دیگری به وقوع پیوسته‌اند و جبهه و الی‌بیت‌المقدس و بسیاری را تقدیم کرده است. حال و هوای جبهه‌ها عاشورایی است و پیرجماران فرزندان معنوی خود را با اینچنین خطاب قرار می‌دهد، با هم نگاه می‌بینیم تا بیایم تاریخی می‌اندازیم.

«سلام مرا به ایشان (رزمندگان) برسانید. من به شما دعا می‌کنم و در مقابل فداکاری‌ها و خدماتی که می‌کنید شکر مندمه هستم و نتوانستیم کاری انجام دهیم.» فراموش نکنیم گوینده این جملات پیشوای مسلمانان جهان است که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان از او تبعیت می‌کنند. کسی که با رهبری خود تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران را تغییر داده است، حالا به صراحت از شرمندگی خود در برابر فداکاری رزمندگان سخن می‌گوید. حضرت امام از این نیز فراتر می‌روند و می‌گویند: «شما حجت‌الربر ما تمام کرده‌اید.»

«شما موجب عزت اسلام، مسلمین و مردم ایران در دنیا گشته‌اید. شما تاریخ را با عظمت و معنویت خود زین و افتخار آمیز کرده‌اید. شما را ملائکه‌الله فراموش نخواهد کرد.» در واقع آنچه در جبهه‌های جنگ رخ می‌داد بر اساس جهان‌بینی و ایدئولوژی حضرت امام منطبق بر همان نبرد تاریخی حق و باطل بود. اینجاست که ایشان جهاد رزمندگان را باعث افتخار تاریخ معرفی می‌کنند؛ تاریخی که در طول جنگ‌های خود، دیگر بار حماسه عاشورا را در شرف تکرار می‌دید.

امام خمینی (ره) در ادامه می‌فرمایند: «روح طیبه شهیدای شما در خط مقدم جبهه، شب‌های حمله حاضر و ناظر هستند.» شهدا زنده‌اند و این حقیقت مورد اشاره در قرآن، در بیانات حضرت امام‌بشارتی به رزمندگان است تا اگر شهادت جمع کثیری از هم‌رزمانشان باعث ضعف روحیه برخی از آنها شده، بدانند که شهدا همچنان ناظر بر رفتار و جهاد آنها هستند و در این مسیر مقدس، همراهی شهدا را شاهد و ناظر ببینند.

پایان این پیام تاریخی تأکیدی دوباره بر تقدس راهی است که سربازان اسلام برگزیده‌اند و باید در این راه مقدس، رسالت تاریخی نبرد با جبهه استکبار را به دوش بگیرند: «شما یاوران خدا، پیامبر (ص)، زینب کبری (س) و امام زمان (عج) هستید. خدا دشمنان شما را ذلیل و خوار

۷		۶	۵	۴	۳	۲	۱
	۱	۶		۳		۲	۷
			۸		۲		
		۱	۲		۹		
			۴		۳		
				۱			۵
				۹		۷	
			۴		۲		۷

### جدول سودوکو

ارقام ۹ تایی را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

### جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۵۳۷

۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۸	۷	۵	۸	۱	۳	۶	۲	۴	۹
۵	۳	۶	۷	۸	۱	۳	۵	۷	۲
۳	۴	۸	۱	۸	۷	۲	۵	۳	۶
۷	۵	۶	۳	۴	۸	۱	۲	۷	۹
۱	۵	۸	۳	۶	۷	۳	۵	۲	۴
۵	۸	۲	۷	۳	۵	۱	۸	۶	۴
۳	۱	۵	۸	۳	۶	۷	۲	۴	۹
۶	۳	۷	۵	۱	۸	۲	۴	۹	۵
۹	۲	۶	۱	۵	۳	۸	۷	۴	۲

طراح: علیرضا سجادی فر | شماره ۵۵۲۸

**از راست به چپ**

- بدون شک و قطعاً - فیلتزر ۲- اسلحه- مسابقات سراسری- استخوانی در پاچه گوسفند- شیرینی کرمانشاه ۳- از عربی- ماده اصلی تولید کاغذ- منطقه سردسیر روسیه- سابه
- گل شنب بو- زین و برگ اسب- از واجبات نماز ۵- از فرودین- ها- نادان ۶- رب النوع آتش هندیان- دوست خاموش- آش ۷- بوی ماندگی- کبوتر صحرایی- درخت جدولی- مدافع بارسا
- ترک وطن- وسیله‌ای برای تبدیل برق موجود به برق مناسب برای دستگاه- کلام در دست و صحیح ۹- کامل کننده- کمر بند طبی- عارضه نزدیک‌بینی- فتنه‌جو ۱۰- تکرار حرفی- خواهان- سترون
- سمت چپ- آب جمجمه- از حشرات مزاحم ۱۲- به تنهایی- جنبش مقاومت اسلامی فلسطین- چهار یونانی ۱۳- خاندان- تولید نقاشان- ملاحظه هم کردن ۱۴- عقاب سیاه- گهواره پارچه‌ای- نوعی ریاست مجلس- قبض ۱۵- دهمین خلیفه اموی- عمل عکسبرداری با اشعه مجهول

**از بالا به پایین**

- آرامگاه بزرگان- ستاره شناس- از رسته‌های نظامی ۲- صدلی دندانپزشکی- کندزبان- شارلاتان
- خشکی- سود حرام- یکی از نعمت مجهول- نت میانی ۴- تغلب واستیلا- از منابع قفق ۵- اگرچه- رشد دادن- شهری در استان کرمان ۶- مادر بزرگ- بزرگراهی در تهران- از لوازم تبلیغات ۷- جوی خون- صورت- خالق آرزنگ- شیرینی عزا ۸- رهرو- میوه ترش و شیرین ۹- آبکی- چیزی که به عنوان سمبل گروه مورد پرستش قرار گیرد- کتف- عدد تقویمی ۱۰- خو و عادت- بازیگر فیلم دلچان- از هفت‌سین‌ها ۱۱- رشته‌ای در ورزش دو و میدانی- کله‌بز- شن بیابان ۱۲- رفیق شهیدی- پول اسپانیا ۱۳- صدمه- پوشاندن حقیقت- درخواست برای کناره‌گیری از شغل ۱۴- مردنی- دورگه- اسطوره در گذشته فوتبال هلند ۱۵- کوتاه‌ترین مدت برای طی کردن ره صدساله- بیماری سگ‌سانان- گل خشمگین